

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سایت گزارشگران

۱۶ جون ۲۰۱۹

مصاحبه گزارشگران با فعالین سیاسی، اجتماعی و کارگری مستقل و منفرد:

این بار با محسن رضوانی

جایگاه این تشکل ها امروز همراهی با جنبش کارگری داخل ایران ، یکی شدن با آن و کمک به گرایش چپ و کمونیستی جاری در داخل است که برای اجتماعی کردن خط مشی خود به عنوان وظیفه اساسی تلاش می کند. جنبش بیش از صد شهر ایران در دیماه [جدی] ۹۶ ، مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و طرح شعار اداره شورائی و اخیراً حرکت جنبش دانشجویی در حمایت از مبارزات کارگران به روشنی سیمای عمومی چنین مشی سیاسی را برای کل جنبش انقلابی ترسیم کرده است. مبارزه برای سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی با اتکاء به نیروی عظیم مردم ایران به دور از هر گونه انقیاد و وابستگی به قدرت های امپریالیستی.

ارزیابی از نقاط قوت و ضعف و جایگاه و نقش احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست و انقلابی در اپوزیسیون ایران، یک گام اساسی و ضروری در پیشروی و غلبه بر موانع و انحرافات جنبش کارگری و کمونیستی و چپ می باشد. این ارزیابی باید نقادانه، از سر راستی و صراحت انجام گیرد. بنابراین باید هیچ گونه حسابگری و ملاحظه کاری و سازش در آن راه نیابد. پرسش های زیر که فقط بر بخشی از این ارزیابی بسیار پرمایه و وقفه ناپذیر تأکید کرده ، با همین دیدگاه تنظیم گردیده است و از شما درخواست می گردد که در این راه با ما همراه شوید.

پاسخ به مقدمه بالا: "غلبه بر موانع و انحرافات جنبش کارگری و کمونیستی و چپ" در اوضاع کنونی که جنبش توده ها در کف خیابان هاست از ارزیابی نقاط قوت و ضعف احزاب و سازمان های چپ و کمونیست و انقلابی نمی گذرد، جنبش کارگری در این چهل سال به اندازه کافی به این نوع ارزیابی ها پرداخته و هر بار به جای گامی به جلو، دو گام به عقب رفته، دچار انحلال طلبی و نفی گرائی بیشتر شده و افراد گرائی جای کار جمعی را گرفته است. باید از حال شروع کنیم، جنبش های مقاومتی توده ها ما را فرا می خوانند، هزاران کار است که باید انجام داد، همین امروز، همین الان، تا کمبود ها را جبران کنیم تا معلوم شود با درایت تر از گذشته عمل کرده ایم.

جنبش کارگری ایران و کادرهای آگاه آن بدرستی، چندین سال است در این مسیر به راه افتاده اند و روشی را که در ارتباط با جنبش های جاری کمونیست ها و چپ هاست انتخاب کرده اند که درست و سازنده بوده است. آنها به طور اثباتی و با تأکید روی دست آورد ها و نقاط قوت و مثبت، رو به آینده عمل کرده و امروز اثرات آن را بخوبی می بینیم.

کار جمعی کارگران و کمونیست ها و چپ ها در زندان ها ، نمونه و راهنمای خوبی است تا ثمره این روش را بهتر حس کنیم . بررسی رفتار و نوشته های زنده یاد شاهرخ زمانی در زندان نمونه ایست از این روش کار که ما هم می توانیم در پیش بگیریم

یکم :مهم ترین نقاط قوت و جایگاه و نقش این تشکل ها در جنبش کارگری و اوضاع سیاسی کنونی و آینده ایران چیست؟

جواب: بزرگترین نقاط قوتشان در ادامه کاری و بودن شان است . آنها توانسته اند در این چهار دهه بزرگترین غول مذهبی جهان را که خرافات و بی خردی پخش می کرد، ضد کمونیست و ضد هرگونه آزادی و برابری بود، افشاء کنند . آنها خون گلگون شده رفقای همزم خود را پاک کردند و پرچم سرخ آنها را همچنان برافراشته نگاه داشتند . شاید کمونیست های ایران جزو نوادری باشند که با تمام سرکوب های خونین، امروز چون ستونی استوار در برابر بدیل های بورژوازی و ناسیونالیسم پرو امپریالیستی قد علم کرده اند و از این منظر در وضعی بهتر از سال ۵۷ در برابر بدیل های راست بورژوازی فعالیت می کنند.

صد سال است که نمایندگان بورژوازی حاکم در ایران دست در دست امپریالیست ها، جبهه ضد جنبش کارگری و کمونیستی را محکم نگه داشته اند.

رویزیونیسم حزب توده ایران و خیانت رهبری این حزب و چریک های اکثریت را که به نام سوسیالیسم و چپ از درون جنبش عمل می کردند باید در این ارزیابی به حساب آورد . تشکلات چپ و کمونیست موجود نه تنها بایستی با ساواک سلطنتی که جایش را به ساوامای ولایت فقیه داده بود می ایستادند، بلکه در برابر لجن پراکنی ها و لودادن های آنها توسط این گرگان در لباس میش هم، مبارزه می کردند.

جایگاه و نقش این تشکل ها امروز همراهی با جنبش کارگری داخل ایران، یکی شدن با آن و کمک به گرایش چپ و کمونیستی جاری در داخل است که برای اجتماعی کردن خط مشی خود به عنوان وظیفه اساسی تلاش می کند.

دوم : مهمترین ضعفها و اشکالات و انحرافات را که به نظر شما باعث عدم کارایی و ایفای نقش انقلابی مورد انتظار و یا نسبی آنها در جنبش کارگری و عرصه عمومی سیاست ایران شده چیست؟

جواب: مهمترین ضعف و اشکالات، به نظر من پراکندگی آنها و عدم پیوندشان با جنبش کارگری و دیگر جنبش های توده ای جاری است . جنبش بیش از صد شهر ایران در دیماه ۹۶ ، مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و طرح شعار اداره شورائی و اخیراً حرکت جنبش دانشجویی در حمایت از مبارزات کارگران بروشنی سیمای عمومی چنین مشی سیاسی را برای رفع این کمبود ها و اشکالات ترسیم کرده است : **مبارزه برای سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی با اتکاء به نیروی عظیم مردم ایران به دور از هر گونه انقیاد و وابستگی به قدرت های امپریالیستی.**

این مشی عمومی سیاسی آن حلقه ای از زنجیر است که آرزوی چهل ساله چپ و کمونیست را در ایجاد یک بدیل دمکراتیک، بادرایت و پوینده برای به زیر کشیدن نظام جهل و جنایت بورژوازی اسلامی را بر آورده خواهد کرد . در پیروی از این مشی و پشتیبانی همه جانبه از جنبش های توده ای و به ویژه جنبش کارگری است که زمینه برای بیرون آمدن از این ضعف مزمن پراکندگی، فراهم خواهد شد.

وحدت و یکی شدن چپ و کمونیست ها براساس اصول و برنامه، گسترش سراسری تشکیلات کارگری و گسترش هر چه بیشتر جنبش های توده ای در گرو پیروی از این مشی عمومی انقلاب در اوضاع کنونی است.

سوم : آیا رهبری پیروزمندانه طبقه کارگر در انقلاب آینده در گرو وجود یک حزب کمونیست واحد و سراسری است؟
آیا کارگران باید الزاماً در یک حزب متشکل شوند؟ رابطه حزب کارگری و کمونیستی با حکومت و دولت شوراهای در
آینده سیاسی کشور چیست؟ آیا دولت شورایی، یک دولت و حاکمیت حزبی است؟

جواب: الف : براندازی رژیم سرمایه داری ایران که در یک منطقه ستراتیژیک جهان قرار دارد و بورژوازی حاکم
صد ساله آن دست در دست امپریالیسم، قدرت سیاسی متمرکزی را تا حد یک دیکتاتوری دینی و سلطنتی مطلقه استحکام
بخشیده است،

ب : کشوری که طبقه کارگر آن دست پرورده اقتصادی بیمار با وابستگی کامل به فروش نفت و صنعتی مونتاژ است،
ج : جامعه ای که حکامش، چهل سال است خرافات و متافزیک در مغز کودکان فرو برده اند و گرایش های ناسیونالیسم
شوینستی در آن موج می زند، بنابراین بدون یک حزب پیشروآگاه و مسلط به علم کمونیسم، دارای کادرهایی در پیوند
با توده ها، که بتوانند آنها را در مبارزه روزانه که بسیار سخت و بغرنج است، هدایت کنند و به آموزش و جمع بندی
مشترک دائمی بپردازند، هیچ گاه انقلابی به سود توده های عظیم مردم پیروز نخواهد شد.

علاوه بر این عقب ماندگی اقتصادی، رشد ناموزون آن، باقی ماندن بسیاری از وظایف حل نشده انقلاب بورژوا -
دمکراتیک بر مشکلات طبقه کارگر و حزب پیشرو سیاسی آن می افزاید. انقلاب سوسیالیستی در ایران به تنهایی نمی
تواند موفق شود، چنین انقلابی باید همراه با انقلابات دیگر کشورها، به پیش رود - حد اقل در منطقه خاورمیانه -
پرولتاریای چند کشور همبسته و همسو عمل کنند و اینکار بدون یک حزب کمونیست انتر ناسیونالیست که در همسویی
و ارتباط با کمونیستهای منطقه باشد، امکان پذیر نیست. ایران کشوریست کثیروالمه و با بیش از ده کشور خاکی و آبی هم
مرزاست. این فکر که جنبش های کنونی خود به خود متحد می شوند، خود به خود انقلاب خواهند کرد و احتیاج به
حزبی نیست، خیالی واهی است. انقلاب کنونی ایران نه تنها به یک حزب متحد سیاسی پیشرو طبقه کارگر احتیاج دارد
بلکه احتیاج به یک تشکیلات رزمنده سراسری کارگری، معلمان، زنان و دانشجویان و محصلان دارد که از هدف
مشترکی پیروی کنند. برای تحقق چنین کاری احتیاج به حزبی است که کمونیسم را به عنوان علم رهائی پرولتاریا در
سرلوحه افکار هدایت کننده اش قرار دهد و روی اصول آن در مبارزه میان دو خط مشی که بازتابی از مبارزه دو طبقه
بورژوازی و پرولتاریا در درون جنبش کمونیستی است پافشاری کند و با دوام آوردن برای مدت طولانی در میان طبقه
کارگر، با تلفیق اصول کمونیسم با شرایط مشخص جامعه و انقلاب ایران خود را آب دیده کند و چگونه انقلاب کردن را
برای نوسازی جامعه نوین، همراه کارگران و توده ها بیاموزد. در این صورت است که می تواند سیاست هائی را در
مبارزه علیه دشمنان طبقاتی ارائه دهد که اکثریت عظیم توده ها به درستی آنها صحه گذارند.

چنین حزبی، گردانی جدا از طبقه کارگر نیست بلکه رابطه ای چون لب و دندان و آب و ماهی دارد، استخوانبندی اش از
کادرهای پیشرو کارگری تشکیل شده و برای ایجاد تشکل سراسری کارگری به عنوان یک وظیفه تمام عمری فعالیت
می کند.

هنگامی که انقلابی به دست طبقه کارگر و اکثریت عظیم توده های مردم با در هم شکستن قدرت دولت بورژوازی تحقق
می یابد و برای اولین بار اکثریت عظیم مردم، صاحب قدرت سیاسی می شوند و توده ها باشکوه ساختن قدرت ابتکار
خود برای ساختن جامعه ای نوین نظام اداره شورایی را در نفی دیکتاتوری های طبقات استثمارگر تا به حال موجود،
مستقر می سازند، حزبی که در دل این حرکت تاریخی پرورش یافته جزئی جدا ناپذیر از همین روند است و
کارگران و توده های عظیم مردم پیروزی خود را مرهون رهبری و هدایت درست آن می دانند. حزبی با چنین کیفیت و

عملکردی، حزبی جدا از خود طبقه اش نمی تواند باشد. در نقد رشد بوروکراسی احزاب کمونیستی و گرایش رویزیونیستی و سرمایه داری در رهبری های آنها، نباید به نفی حزب پرداخت. پرولتاریای آگاه بدون یک تشکیلات سیاسی رهبری کننده، کلاش پس معرکه است. کمونیست های کنونی ایران از آنچه در جهان کمونیستی گذشته با خبراند و با اطمینان می توان گفت همان مسیر گذشته را طی نخواهند کرد. فراموش نکنیم بهار عربی را و امروز جنبش مقاومت توده ئی را در سودان. در کشور خودمان ۸۸ و دوسال پیش دیماه [جدی] ۹۶ را.

امروز اکثریت کمونیست ها و سوسیالیست ها و چپ ایران چه منفرد و چه متشکل درد مشترکی دارند، احساسات شان لبریز از خاطرات فراموش نشدنی دهه شصت است. ای کاش بودید و صدای یکی از فعالان کارگری را می شنید که متواضعانه از رفقای خارج کشور برای پشتیبانی هائی که می کنند قدرانی می کرد. من به نسل جوان کمونیست های ایران که امروز در صحنه مبارزه پای در عرصه عمل می گذارند اطمینان دارم که از اشتباهات و انحرافات پدران و مادران خود پند گرفته اند، دیگر نه به دنبال الگو برداری اند و نه با چوب دستی مسکو آهنگ می نوازند. از ایسم ها دست برداشته اند و تئوری را درخت سبزی می دانند که اصولش را باید در پراتیک اجتماعی ایران به آزمایش گذارند.

چهارم: آیا جنبش خودانگیخته و غیر حزبی در میان کارگران و متحدان وی، می تواند مستقیماً به آلترناتیو شورائی دولت انقلابی زحمتکشان نائل گردد؟ رابط جنبش خودانگیخته در میان کارگران و جنبش های اجتماعی دیگر با مقوله سازمان حزبی و تشکیلات چیست؟ و چگونه باید باشد؟

جواب: در جامعه ایران، جامعه ای که بیش از صد سال است طبقات اجتماعی برای داشتن احزاب و تشکلات خود مبارزه کرده اند و حکومت های دیکتاتوری بورژوازی درست به خاطر ادامه حکومت خود تا حد متلاشی کردن آنها به هر وسیله ای دست یازیده اند، سخن از بی حزبی و بی تشکل سیاسی طبقه کارگر زدن در جهت خواست آنهاست. و از لحاظ شیوه تفکر، رگه های باقی مانده از سوسیالیست های تخیلی است که افکار و آرزوهای خود را به جای حرکت عینی مبارزه طبقاتی کارگران می گذارند. نفی حزب و تشکیلات کادری کارگری به عنوان استخوانبندی آن، که در بالا پاره ای از خصوصیات آن را بر شمردم، خلع سلاح کردن طبقه کارگر در برابر بورژوازی مسلح به احزاب و قدرت های بوروکراتیک نظامی - دولتی است. گرایش های انحرافی پاره ای از احزاب کمونیستی ماهیتاً مایه از افکار بورژوازی و خرده بورژوازی دارد که در احزاب کمونیستی بازتاب می یابند. این نوع تضاد ادامه مبارزه دو طبقه و دو خط مشی در جامعه است. عوامل رژیم جمهوری اسلامی در این چهل سال به خاطر گسترش همه جانبه در کارخانه ها و ایجاد انواع تشکیلات تبلیغی و امنیتی در میان کارگران، با وجود این که مبارزات خود انگیخته کارگری در جریان بوده است، طبقه کارگر چون دارای تشکیلات سراسری نیست و دارای تشکیلات کادری سیاسی نوع بلشویکی نیست هنوز به یک نیروی سیاسی اجتماعی مؤثر تبدیل نشده است. زنده یاد شاهرخ زمانی با توجه به شرایط مشخص ایران ایجاد سه تشکیلات موازی و در عین حال همبسته و یاری دهنده یکدیگر را پیشنهاد می کند: حزب انقلابی پیشرو طبقه کارگر، تشکیلات سراسری کارگری و سوم اتحادی بازهم گسترده تر که در برگیرنده کلیه نیرو های توده ئی پیرو برنامه سیاسی طبقه کارگر.

درایت شاهرخ در این است که ضرورت این سه تشکیلات را برای انقلاب اجتماعی برجسته می کند و یاد آور می شود یکی بدون دیگری نمی تواند زنده بماند، چه رسد که رشد کند و به تنهایی بخواهد قدرت سیاسی را به دست آورد.

پنجم : مضمون انقلاب پیش رو برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت انقلابی ، در چه شاخصه ها، هدفها، مطالبات و محورهای خواهد بود؟ رابطه دموکراسی، آزادی و برابری با مفهوم سوسیالیسم در این انقلاب به چه صورتی می باشد؟ به طور کلی پیروزی انقلاب آینده به چه معناست؟

جواب: انقلاب در ایران طی صد سال گذشته از یک مسیر سخت، بغرنج و طولانی گذشته است. این ناشی از ویژگی های تاریخی، اقتصادی و اجتماعی ایران است. رقابت های امپریالیست ها و موقعیت ستراتیژیک ایران بر این ویژگی ها رنگ و لعابی زده است که باید در محاسبات سیاسی در نظر گرفته شود.

انقلاب پیروزمندی که بتواند بشر ایرانی را از استثمار و ستم شدید کنونی نجات دهد و زنان ستم ستیز ما را از بردگی در جامعه دیکتاتوری اسلامی کنونی رها کند باید دارای برنامه سیاسی طبقه کارگر یعنی سوسیالیسم باشد. اما این سوسیالیسمی خواهد بود، تلفیق داده شده با شرایط جامعه ایران که از ویژگی های بالا برخوردار باشد.

ششم : نقش ، وظیفه و تکلیف مقدم و اساسی کمونیست های خارج کشور-سازمانی و غیر سازمانی و منفرد- در حال حاضر چیست؟ حمایت از جنبش کارگری؟ اتحاد عمل؟ افشاگری؟ و

جواب: خود را تافته جدا بافته ندانند، منفرد شدن وجدائی خود را تقصیر احزاب و سازمان ها ندانند و با نفی آنها، خوددهویت سازی نکنند. رو به جنبش در حال رشد کارگران داخل داشته باشند، خود را از پراکندگی کنونی نجات دهند، گامی عملی در خدمت تشکل های مستقل کارگری ایران بردارند. به دور از هرگونه سکتاریسم و فرقه گرایی، برای جلب وسیع ترین نیروی خارج کشور به دور برنامه ای با باورهای شورائی گرد آمده و برای شکوفا ساختن ابتکارات جوانان و به ویژه زنان کارکنند.

هفتم : پراکندگی، انشعاب های مکرر و تلاشهای نافرجام و بی حاصل که تاکنون به منظور ائتلاف، اتحاد عمل و همکاری در میان احزاب و سازمانها در خارج کشور انجام شده، از چه عوامل و علت هائی ناشی می گردد؟ برای عبور از این وضعیت چه باید کرد؟

جواب: با کار خوب و درست نمونه سازی کنیم:

اول

هرجا هستیم به کار توده ئی بپردازیم و عقاید و برنامه جمع را به میان آنها ببریم. بدون کار توده ئی هیچ امیدی نمی توان به پیشرفت داشت و به همان سرنوشتی دچار می شویم که دیگران شدند.

دوم

به تصمیمات و کار جمعی احترام بگذاریم و اگر حتی زمانی پیشنهادمان پذیرفته نمی شود شورش نکنیم با حوصله و برد باری به کار ادامه دهیم.

سوم

به آموزش خود ادامه دهیم. از پیشروان و فعالان کارگری داخل که در شرایط بسیار سختی مبارزه می کنند یاد بگیریم و از آنها پشتیبانی کنیم.

هر طبقه ای و هر سیاست طبقاتی سبک کار خود را دارد. ما باید به سبک کار "از توده ها به توده ها" از "پراتیک به تئوری و برگشت به پراتیک" و "انتقاد و انتقاد از خود" که متعلق به پرولتاریاست پیروی کنیم.

دوازدهم جون ۲۰۱۹